

## نقش کمیت‌نماها بر حضور بند موصولی در زبان فارسی گفتاری

نسرین آزیده<sup>۱</sup>

مهرداد نغزگوی کهن<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۰۹

### چکیده

علاوه بر سنگینی سازه و نقش موضوعی هسته در پردازش بند موصولی که در مطالعات پیشین فراوان به آنها پرداخته شده است، عوامل دیگری نیز در پردازش بند موصولی تأثیرگذار هستند. در مقاله حاضر رخداد کمی‌نماها با هسته بند موصولی در داده‌های گفتاری بررسی شد. داده‌های پژوهش از مکالمات گفتاری رادیویی و تلویزیونی گردآوری شد و رخداد کمیت‌نماها با بند موصولی براساس رویکرد نمونه‌محور و ایشمن (۲۰۱۵) تحلیل شد؛ وی معتقد است که ویژگی‌های اجزای مختلف بند موصولی بر حضور اجزای دیگر تأثیر دارند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کاربرد بیشتر بند موصولی تحت تأثیر وجود ابهام در کمیت‌نما و هسته، استفاده در ساخت‌های ویژه و عوامل دیگری است. این نتیجه مؤید نظریه نحوی نمونه‌محور و تأثیر همزمان چند عامل است. نتایج این پژوهش می‌تواند در تبیین میزان ابهام کمیت‌نماها و هم‌چنین پردازش بند موصولی کمک کند.

واژگان کلیدی: بند موصولی، دیدگاه نمونه‌محور، وابسته‌های پسین و پیشین اسم

✉ azhidehn@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. (نویسنده)

مسئول

۲. دانشیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

## ۱- مقدمه

ساخت موصولی به‌عنوان یکی از توصیف‌کننده‌های پسین اسمی «ساختی است که از یک اسمواره<sup>۲</sup> (یا در اصطلاح دستور مقوله‌ای<sup>۳</sup> یک عبارت اسمی که می‌تواند تهی باشد) و یک بند وابسته تشکیل شده‌است که یک توصیف‌کنندهٔ وصفی برای اسمواره تلقی می‌شود. اسمواره را هسته و بند وابسته را بند موصولی می‌خوانند. رابطهٔ وصفی بین هسته و بند موصولی به گونه‌ای است که هسته در آنچه در بند بیان می‌شود شرکت دارد» (لمان<sup>۴</sup>؛ ۱۹۸۷: ۲). درجات محدودسازی بند موصولی برای اسم‌های مختلف متفاوت است. بند موصولی توصیفی (تحدیدی) هسته را محدود می‌کند و هستهٔ این ساخت‌های موصولی نکره است. اما بند موصولی توضیحی، مصداق‌های بالقوهٔ هسته را محدود نمی‌کند بلکه توضیحی اضافی در مورد هسته ارائه می‌دهد (کامری<sup>۵</sup>؛ ۱۹۸۹: ۱۳۹-۱۶۴). بیشتر مطالعات پیشین تنها به بررسی نقش خود هستهٔ بند موصولی در پردازش آن پرداخته‌اند و به عواملی همچون وابسته‌های پیشین هسته چندان توجه نکرده‌اند. برای مثال اغلب این مطالعات فاعل یا مفعول بودن هستهٔ بند موصولی و بند اصلی را در پردازش مؤثر می‌دانند (کاریراس و همکاران، ۲۰۱۰؛ نعمت‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲؛ رحمانی و همکاران، ۲۰۱۱) و گاه تأثیر عوامل معنایی و گفتمانی نظیر جاننداری (مک دونالد و همکاران<sup>۶</sup>؛ ۱۹۹۳؛ باک و وارن<sup>۷</sup>؛ ۱۹۸۵) و ضمیری بودن هستهٔ موصولی (گوردون و همکاران<sup>۸</sup>؛ ۲۰۰۱؛ وارن و گیسون، ۲۰۰۲؛ ریلی و کریستین سن<sup>۹</sup>؛ ۲۰۰۷) را نیز در تعامل با نقش موضوعی هسته برای پردازش ساخت موصولی بررسی کرده‌اند.

در این مطالعات باور بر این است که بی‌جان یا ضمیری بودن هسته در تسهیل پردازش بندهای موصولی مفعولی مؤثر است؛ برای مثال، ریلی و کریستین سن (۲۰۰۷) با بررسی پیکره‌بنیاد بندهای موصولی مفعولی و فاعلی در زبان انگلیسی به ارائهٔ تمایز میان آنها پرداخته و اظهار داشته‌اند که در ساختار این بندها ضمیر شخصی یا غیرشخصی می‌تواند برای ارجاع به هستهٔ اسمی درونه شود (در بند موصولی قرار بگیرد). هرگاه ضمیر درونه‌شده شخصی باشد بندهای مفعولی به وضوح پرکاربردتر از بندهای فاعلی می‌شوند و برعکس. برخی از این مطالعات نیز به بررسی جابه‌جایی سازهٔ سنگین در بند موصولی پرداخته و این حرکت را ناشی از سهولت

1. modifier
2. nominal
3. categorical grammar
4. Ch. Lehmann
5. B. Comrie
6. McDonald JL et al
7. Bock JK & Warren, RK
8. Gordon, D. C., Hendrick, R., & Jhonson, M.
9. Reali, F., & Christiansen, M.

در پردازش می‌دانند (هاکینز ۲۰۰۴، واسو ۲۰۰۲، راسخ مهند و همکاران) و از این‌رو پردازش این جملات ساده‌تر است. اما در مورد رخداد وابسته‌های پیشین با هسته بند موصولی و نقش آن در پردازش بند موصولی تحقیقی نشده‌است، تنها در برخی موارد به صورت مختصر به حذف نشانه موصولی که پس از هرکس و ... اشاره کرده و آن را بند موصولی *آزاد* یا بدون هسته یا بندهای موصولی تعمیم‌یافته<sup>۱</sup> می‌دانند (ویندفور<sup>۲</sup>، ۱۹۷۹: ۶۸؛ صادقی و ارژنگ، ۱۳۵۷: ۹۴؛ مولایی کوهبانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۸؛ آقایی، ۲۰۰۶: ۱۸۷؛ طبائیان، ۱۹۷۴). در واقع این مطالعات به‌طور تلویحی به قابل پیش‌بینی بودن حضور بند موصولی پس از هسته‌های مبهم اشاره کرده‌اند اما هیچ یک از این مطالعات به‌طور نظام‌مند به بررسی نقش کمی نماها در رخداد بند موصولی نپرداخته‌اند. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی رخداد وابسته‌های پیشین با بند موصولی و دیگر وابسته‌های پسین است. در این زمینه دیدگاه کاربردی وایشمن با مطالعه پیکره‌بنیاد امکان بررسی کامل‌تر بند موصولی را فراهم می‌کند و با توجه به فضای ممکن تنها به بررسی مفصل رخداد کمیت‌نماها در بند موصولی براساس دیدگاه وایشمن (۲۰۱۵) پرداخته شده‌است. به بیان دیگر، پاسخ این پرسش می‌پردازیم که کدام کمیت‌نماها بیشتر با بند موصولی به کار می‌روند و دلیل این کاربردها چیست؟

## ۲- روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و واحد تحلیل، بندهای موصولی در زبان فارسی گفتاری است. رخداد هر یک از کمی‌نماها با بند موصولی و با وابسته‌های پسین غیرموصولی مقایسه و تبیین شد. داده‌ها از برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی در سال ۹۶ تا ۹۸ با موضوع‌های مختلف گردآوری شد. شبکه‌های رادیویی عبارت بودند از ایران، فرهنگ، گفتگو و جوان. با توجه به اینکه گفتمان و موضوع در بسیاری از برنامه‌های این شبکه‌ها مانند هم بود و حتی گویندگان مشترک داشتند، برای انتخاب شدن داده‌ها از گفتمان‌های مختلف و جهت‌دار نبودن، مصاحبه، مناظره، نشست و گزارش‌ها به‌طور تصادفی گردآوری و سعی شد تعداد جملات با مجموع تعداد برنامه‌های مشابه در تلویزیون برابر باشد. در تحقیق حاضر از بین ۳۰ ساعت از مکالمات رادیویی و تلویزیونی حدود ۲۰۰۰ جمله گردآوری شد. از این میان در ۳۶۴ جمله، یک هسته اسمی همزمان هم با کمیت‌نما و هم با وابسته پسین توصیف شد. به بیان دیگر، ۱۷۷ جمله با بند موصولی توصیف شد و ۱۸۷ جمله با وابسته‌های پسین دیگر. علاوه‌بر

1. generalized

2. G. Windfuhr

داده‌های مربوط به کاربرد کمیت‌نماها با وابسته‌های پسین، حدود ۴۹۴ جملهٔ موصولی که در آنها هیچ وابسته‌ای به هستهٔ موصولی تعلق نگرفته‌است؛ ۱۱۸ جمله که در آنها تنها کمیت‌نمای همه هسته را توصیف کرده‌است؛ ۱۰۰ جمله با کمیت‌نمای هر بدون حضور وابسته‌های اسمی دیگر و نیز داده‌های دیگری بنا به ضرورت تحقیق گردآوری شد که در مقاله به آنها اشاره خواهد شد. در این مطالعه، تنها داده‌هایی که براساس تعریف لمان (۱۹۸۷) ساخت موصولی هستند لحاظ شده و ساخت‌های مشابه از این تعداد تفکیک شده‌اند. برای مثال در جملهٔ زیر:

«یکی از دلایلی که بزرگان امروزی ما حتی نتوانستن به جایگاه واقعی خودشون دست پیدا کنند عدم ترجمه‌س».

بند وابسته هستهٔ «دلایل» را توصیف نمی‌کند و بنابراین بند موصولی نیست بلکه درواقع متمم بندی آن است (نک طبیب‌زاده، ۱۳۹۳.ب).

### ۳- چارچوب نظری پژوهش

بسیاری از کارها در دستور ساختی و شناختی نشان می‌دهند که نشانه‌های زبانی سطوح میانی مختلفی دارند (کی و فیلمور<sup>۱</sup> ۱۹۹۹). در سطوح مختلفی از این نشانه‌ها توصیف کامل یک سازهٔ سطح بالا مانند ساخت موصولی باید شامل ساخت‌های سازه‌های آن و ویژگی‌های آنها باشد. یعنی یک ساخت موصولی شامل ساخت‌هایی با سطوح پایین‌تر است؛<sup>۲</sup> به عبارتی هر مورد واقعی از بند موصولی یک ترکیب‌بندی یا سیستم بسیار متغیر است (وایشمن، ۲۰۱۵: ۳). این ترکیب‌بندی‌ها را می‌توان با بررسی هر یک از نمونه‌ها<sup>۳</sup> یا رخداد‌های زبانی بررسی کرد.

### ۳-۱- نظریهٔ نحوی نمونه‌محور

از نظر لانگاکر<sup>۴</sup> (۱۹۹۹: ۱۵) واحدهای دستوری در واقع ساختار (کلیشه)‌هایی هستند که گویشور با تکرار و تمرین در آنها تسلط کامل پیدا کرده‌است و می‌تواند در شرایط مختلف آنها را به‌صورت یک مجموعهٔ از قبل گردآوری شده فعال کند. هر یک از نمونه‌های تجربه‌شده<sup>۵</sup> ساخت موصولی در ایجاد نمای<sup>۶</sup> شناختی آن نقش دارند (وایشمن، ۲۰۱۵: ۵۷) و این درواقع

1. P. Kay and R. Fillmore
2. sub constructions
3. exemplar
4. R. W. Langacker
5. routin
6. tokens
7. representation

همان دیدگاه نمونه‌محور دستور ساختی است (گلدبرگ<sup>۱</sup> ۲۰۰۶: ۴۵-۶۵؛ بایبی<sup>۲</sup> ۲۰۱۰: ۱۴-۳۳) یک نقطه طحاره‌ای<sup>۳</sup> در ساخت می‌تواند شامل تمام موردهایی باشد که در آن موضع اتفاق افتاده‌است. مثلاً در زبان انگلیسی کلمه *way* با مجموعه خاص تری از افعال مرتبط با حرکت شبیه به باد ( *pick, thread, wind, wend, worm, weave ...* ) یا حرکت پیچیده ( *plod, crawl, grind, slog, stumble, ...* ) به کار می‌رود (ایزراییل<sup>۴</sup>، ۱۹۹۶: ۲۲۱)؛ ارتباط زیاد این موردها به دلیل قیاس‌های مورد محور است. بنابراین هنگام کاربرد یک ساخت گوینده به یک سری مشخصه‌های کلی و قواعد منظم رجوع نمی‌کند، بلکه به یک مورد واژگانی که قبلاً در نقطه مورد نظر ساخت به کار رفته و در حافظه ذخیره شده ارجاع می‌دهد و با آن قیاس می‌کند. به این ترتیب نمایش نمونه‌محور فهرستی از تمام کلماتی را که در یک نقطه از ساخت رخ داده‌اند نشان می‌دهد (بایبی، ۲۰۱۳: ۵۸).

وایشمن (۲۰۱۵: ۱۹۶، ۸۳) معتقد است از آنجاکه هسته در زبان انگلیسی پیش از وابسته‌های بندی می‌آید، کاربران زبان از اطلاعاتی که بر روی هسته کدگذاری شده‌است استفاده می‌کنند تا ادامه سازه را پیش‌بینی کنند. وی چهار نوع متغیر را در ساخت موصولی لحاظ کرده: متغیرهای مربوط به هسته اسمی، متغیرهای مربوط به بند موصولی، متغیرهای مربوط به بند اصلی و متغیرهایی که سازه‌های بندی را به یکدیگر مرتبط می‌سازند (وایشمن، ۲۰۱۵: ۷۴). در این تحقیق که بخشی از مطالعه نمونه‌محور ساخت موصولی است تنها برخی از متغیرهای مربوط به هسته اسمی (کمیت‌نماها) بررسی می‌شود. داده‌ها نشان می‌دهد که رخداد مکرر برخی کمیت‌نماها با بند موصولی همراه با عناصر دیگری چون فعل ربطی «بودن» و بند موصولی مبتدأ شده ساخت‌های ویژه‌ای ایجاد می‌کند که تحکیم آنها امکان پیش‌بینی بند موصولی را فراهم می‌کند. در تحقیقات پیشین به این عوامل مؤثر در پردازش بند موصولی اشاره نشده‌است. علاوه بر این، تحقیق حاضر به بررسی عملکرد صفات پسین غیرموصولی در محدود و معرفه ساختن هسته بسته به هسته‌های مختلف نیز می‌پردازد.

### ۳-۲- کمیت‌نماها

در زبان فارسی، سور یا کمیت‌نماهایی از قبیل *بعضی از، چند تا، چندین، هر، همه، هیچ، خیلی، بسیاری، یکی از، خیلی از، اکثر، برخی از* و ... وابسته‌های پیشینی هستند که همواره

1. A.E. Goldberg
2. J. Bybee
3. schematic slot
4. M. Isreal

همراه یک اسم به کار می‌روند و اطلاعاتی دربارهٔ کمیت آن اسم بیان می‌کنند (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۲۵۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۵: ۳۰۰؛ طبیب‌زاده، ۱۳۹۳ الف: ۲۱۶). سورهای کلی یا همگانی<sup>۱</sup> هر، همه و تمام به کل اعضای یک مجموعه دلالت دارند و برخی معتقدند که ابهام همه (و هیچ) به اندازهٔ کلمات مبهم دیگر نیست (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۲۱۰). اغلب سورها علاوه بر اشاره به تعداد دربردارندهٔ نوعی ابهام نیز هستند و از این رو در بین دستوریان «صفت مبهم» یا «مبهمات» نیز قلمداد می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۳۲۵؛ عماد افشار، ۱۳۷۲: ۱۰۰؛ احمدی گیوی و انوری، ۱۳۷۷: ۱۲۰). سورهای برخی از، یکی از، بسیاری از، خیلی از و ... بر بخشی از اعضای یک گروه دلالت دارند و سورهای وجودی<sup>۲</sup> نام دارند (طیب‌زاده، ۱۳۹۳ الف: ۲۱۷). سور هیچ نیز در زبان فارسی برای نفی جنس به کار می‌رود و با فعل منفی همراه است: هیچ کتابی ندارم. هیچ کسی را ندیدم (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۳۲۴).

موارد زیر نشان می‌دهند که کاربرد برخی کمی‌نماها بر حضور بند موصولی تأثیر دارند. در جملهٔ زیر اگر قسمت «که می‌تونی بیار» از جمله حذف شود هیچ وابستهٔ دیگری را نمی‌توان به جای آن به کار برد و حتی با حضور وابسته‌های پسین دیگر نیز حضور بند موصولی الزامی است:

(۱) هر چند بچه که می‌تونی بردار بیار.

(۲) هر چند بچهٔ زرنگ که می‌تونی جمع کنی بیار.

اما اگر «چند» یا «هر» حذف شود (از تعداد ضمایر مبهم کم شود)، می‌توان «بچه» را با وابسته‌های غیرموصولی نیز توصیف کرد:

(۳) هر بچهٔ خوبی باید حرف پدر و مادرشو گوش کنه.

نمونهٔ دیگری از کاربرد هسته با ضمیر مبهم که برای توصیف نیاز به بند موصولی دارد:

(۴) هر کس که از این در اومد تو، غذا رو بهش بدید.

براساس داده‌های پژوهش، در موارد بسیار معدودی هستهٔ کمیت‌نمای هر وابستهٔ پسینی غیر از بند موصولی می‌پذیرد، از جمله زمانی که گوینده قصد حفظ ابهام و غیرانتخابی بودن هسته داشته باشد. در این صورت، «هرکس» اغلب با وابستهٔ پسین دیگر (که خود نیز مبهم است) به کار می‌رود.

1. universal  
2. existential

(۵) منم مثل هر کس دیگه‌ای داشتم درس می‌خوندم.

(۶) هر موجود زنده‌ای نفس می‌کشه دیگه.

علاوه بر این، گاهی نشانه موصولی که قابل حذف است. از نظر وایشمن (۲۰۱۵: ۲۰۴) حذف ضمیر موصولی (نشانه موصولی که در زبان فارسی) نشان‌دهنده این است که وجود بند موصولی پس از هسته مورد نظر قابل پیش‌بینی است:  
(۷) از همین اول هر اعتراضی داری هر کیو می‌خوای نابود کنی بگو.

با توجه به این موارد به نظر می‌رسد هرچه تعداد ضمائر مبهم بیشتر باشد بند موصولی بیش از سایر وابسته‌های پسین به کار می‌رود. وایشمن (۲۰۱۵: ۸۹) معتقد است هرچه هسته یک اسم کلی‌تر باشد به وجود یک ماده<sup>۱</sup> دیگر که شنونده را قادر به شناسایی مصداق NP پیچیده سازد نیاز بیشتری وجود دارد و بند موصولی به دلیل داشتن ماهیت بندی بهترین گزینه برای این شرایط است مثل:

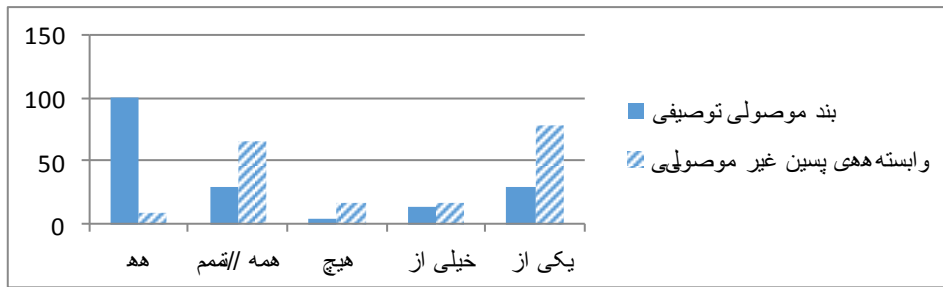
anyone, anything, best everybody all, anybody, everybody, that thing, things, those, time, two, uncle, way, what, woman, women.

### ۳-۳- وابسته‌های پسین در زبان فارسی

وابسته‌های پسینی که عمدتاً در داده‌های پژوهش یافت شد عبارت‌اند از صفت بیانی، اضافی و بند (موصولی). صفت بیانی کیفیت یا حالتی را به اسم نسبت می‌دهد مانند گل زیبا. در وابسته اضافی هسته به اسم مالک ملحق می‌شود مانند خانه ما و بند موصولی نیز با پیونده که به اسم ملحق می‌شود و آن را توصیف می‌کند یا توضیح می‌دهد: مردی که دیروز آمد دبیر فارسی بود.

### ۴- رخداد انواع کمیت‌نماها با وابسته‌های پسین موصولی و غیر موصولی

با توجه به داده‌های پژوهش، کمیت‌نمایی که همراه بند موصولی برای توصیف اسم به کار می‌روند عبارت‌اند از: یکی از، خیلی از (بسیاری از)، هر، همه، تمام و هیچ. در شکل (۱) رخداد وابسته‌های پیشین مختلف با وابسته‌های پسین نشان داده شده است:



شکل ۱- مقایسه میزان کاربرد بند موصولی و وابسته‌های پسین غیر موصولی با انواع کمیت‌نماها

در شکل (۱) نسبت حضور بند موصولی به عدم حضور آن در کمیت‌نمای هر و خیلی از بیش از سایر موارد است و در هیچ کمترین مقدار را دارد. در ادامه به بررسی ویژگی‌های هر یک از کمیت‌نماها و علت رخداد آنها با بند موصولی می‌پردازیم.

#### ۴-۱- کمیت‌نمای هر

براساس داده‌های پژوهش کاربرد فراوان کمیت‌نمای هر با بند موصولی سه دلیل عمده دارد:

الف) وجود ابهام در مفهوم هر

ب) کاربرد فراوان با هسته‌هایی که در بردارنده مفهوم کلی هستند.

ج) کاربرد در ساخت‌های تعمیمی

کاربردهای متعدد هر و مفاهیم مختلفی که از آن حاصل می‌شود، نشان‌دهنده وجود ابهام در کمیت‌نمای هر است؛ هر می‌تواند در بردارنده مفهوم شمول و توزیع، مفهوم همه و مفهوم انتخاب آزاد<sup>۱</sup> باشد، برای مثال دو جمله<sup>۱۱</sup> و<sup>۱۲</sup> به ترتیب شمول و توزیع را نشان می‌دهند:

(۹) میان هر دو طبقه رو خالی می‌کنن.

(۱۰) هر کدوم رو که خواستی بردار.

هر می‌تواند در بردارنده مفهوم همه نیز باشد:

(۱۱) به هر دانش‌آموزی از این کارت دادن.

گاه نیز مفهوم انتخاب آزاد را داراست به این معنا که محدودیتی در انتخاب هسته وجود ندارد؛ انتخاب آزاد در برخی از کاربردهای *any* در زبان انگلیسی دیده می‌شود:

(۱۲) Anybody can solve this simple problem (هاسپلمت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷: ۵)

«هرکسی می‌تونه این مسأله رو حل کنه».

1. free - choice  
2. M.Haspelmath



در داده‌های تحقیق، این مورد از کاربرد هر در زبان فارسی اغلب با فعل وجهی *تو/نستن*، صفت مبهم دیگر، حضور بیش از یک کمیت‌نما، حضور یک اسم با حرف تعریف نکره *یه* و یا با فعل منفی همراه بوده‌است:

- (۱۳) شما به زیبایی ترجمه کردید و هر کسی می‌تونه بخونه و استفاده بیره.  
 (۱۴) آیا هر کس هر چیزی که یاد گرفته مجاز هست بره به دیگران یاد بده.  
 (۱۵) به هر دلیلی یه راهکاری ارائه شده.  
 (۱۶) این توفیقا نصیب هر کسی نمی‌شه.  
 (۱۷) بهتر از هر کس دیگه‌ای می‌دونستن که ایران دنبال بمب هسته‌ای نیست.

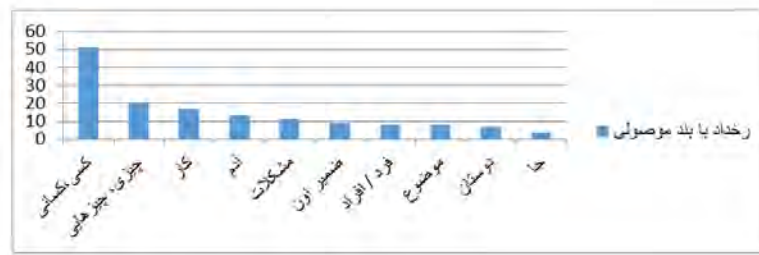
یکی از دلایل عمده که در مطالعات پیشین بند موصولی توصیفی را از بند آزاد تفکیک کرده‌اند امکان حذف که است (آقایی، ۲۰۰۶: ۱۸۴؛ محمودی، ۱۳۹۲: ۲۴۷-۲۵۲)، مانند موارد زیر:

(۱۸) اون اوایل هر چیزی بود به ایشون می‌گفتم.  
 (۱۹) هر کسی زور بازو داشت میاد توی انتخابات شرکت می‌کنه.

اما داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که گاهی در بندهای موصولی توصیفی نیز امکان حذف نشانه موصولی که وجود دارد:

- (۲۰) این آقای بنده خدا فیلم تبلیغاتی آقای روحانیو نوشته کیه؟  
 (۲۱) از این مرده دیروز اومد پرسیدم.  
 (۲۲) خیلی از پزشکا هستند گمنام‌ان اصلاً اسمی ازشون نمیدانم.  
 (۲۳) این کار خوبی بوده مجلس در سال ۹۸ انجام داده.  
 (۲۴) چیزی هست بخواین بگین من نپرسیده باشم.  
 (۲۵) شایعه یک دروغیه اصلاً اتفاق نیفتاده.

چنانچه مشاهده می‌شود، در این مثال‌ها حتی اگر هسته ظاهراً معرفه باشد، برای شنونده ناشناخته یا دارای مفهوم کلی است. بنابراین به نظر می‌رسد حضور بند موصولی پس از هسته‌های مبهم و نکره قابل پیش‌بینی است و از این رو نشانه موصولی که قابل حذف است. بررسی داده‌ها نیز نشان می‌دهد که در ۴۵٫۵۴٪ از موارد کاربرد هر با بند موصولی، هسته یک اسم کلی مانند چیزی و کسی و یا ضمائر کلی هرکی، هرچی بوده‌است. به طور کلی هسته‌هایی که مفهومی کلی دارند بیشتر با بند موصولی به کار می‌روند. این ادعا در شکل زیر با مقایسه پربسامدترین هسته‌های موصولی بدون وابسته پیشین در ۴۹۴ جمله بررسی شده‌است:



شکل ۲- پرکاربردترین هسته‌های موصولی بدون حضور وابسته پیشین

این نمودار نشان می‌دهد که هسته‌های مبهم مانند *کسانی*، *چیزی*، *کسی* و یا هسته‌هایی که شمول زیادی دارند مانند *جا*، *کار*، *فرد* بیشتر با بند موصولی به کار می‌روند، علاوه بر این هسته *کسانی* در صورت توصیف شدن تنها با بند موصولی به کار رفته است و بنا بر ششم زبانی نگارنده غیر از کاربرد با بند موصولی یا وابسته‌های پسین غیر موصولی (در متون تاریخی) تنها با وابسته پسین دیگر به کار می‌رود. وجود دو عنصر مبهم در کنار هم (هر + اسامی کلی *چیزی*، *کسی* و ...) به محدودکننده‌ای نیاز دارد که از این میزان ابهام بکاهد. داده‌ها نشان می‌دهد که ضمائر هرچی و هرکی و هرکس غیر از چند مورد محدود (از جمله صفت بیانی دیگر و مانند آن: *بهتر از هر کس دیگه‌ای* / *ینو می‌دونستن*) با هیچ وابسته پسینی جز بند موصولی به کار نرفته‌اند. علاوه بر این، رخداد وابسته‌های پیشین مبهم دیگر مانند *چند*، *تعداد*، *مقدار*، که به طور دقیق کمیت را نشان نمی‌دهند نیز نیاز به حضور بند موصولی را بیشتر می‌کنند:

(۲۶) تو هرچی بگی من باورم میشه.

(۲۷) هرکی شطرنج بازی می‌کنه مگه بازنشسته‌س؟

(۲۸) هر تعداد کتابو که تونستی بیار.

در ادامه خواهیم دید که کمیت‌نماهای دیگر نیز اغلب در کنار هسته‌های کلی با کاربرد بند موصولی همراه به کار رفته‌اند اما کاربرد این هسته‌ها با کمیت‌نمای هر بیشتر است زیرا هر + هسته‌های کلی ساخت‌های تعمیمی را شکل می‌دهند. در واقع یکی دیگر از دلایل کاربرد فراوان کمیت‌نمای هر با بند موصولی کاربرد هر برای قوانین کلی و به صورت قضایای شرطی است. آقای (۲۰۰۶: ۱۹۰) نیز به جایگزینی هر با *اگر* اشاره کرده است. جملات شرطی / تعمیمی زیر را که از داده‌های ضبط شده به دست آمده‌اند می‌توان با ساخت موصولی نیز بیان کرد:

(۲۹) هرکسی اگر ادعایی برای این قضیه داره باید در اون حوزه توان انجام کار داشته باشه. ←  
هرکس که ادعایی برای این قضیه داره باید در اون حوزه توان انجام کار داشته باشه.

(۳۰) اگر هر مهمانی میاد اینجا یه چیزی می‌گه شوخی می‌کنیم. ← هر مهمانی که میاد اینجا  
چیزی می‌گه شوخی می‌کنیم.

تنها در موارد بسیار معدود از جمله زمانی که هسته پس از حرف اضافه به کار رفته  
باشد، نمی‌توان اگر را جایگزین که کرد:

(۳۱) الف. من هر چیزی که راجع به این موضوع بود رو خوندم. ← ب. \* من هر چیزی اگر راجع به  
این موضوع بود رو خوندم.

(۳۲) الف. می‌ری هر کشوری که خواستی. ← ب. می‌ری هر کشوری اگر خواستی.

یکی دیگر از ویژگی‌های بند موصولی که از نظر برخی محققان آن را از بند موصولی  
توصیفی متمایز می‌کند این است که در بند موصولی آزاد امکان پس‌اندازی وجود ندارد:

(۳۳) هرکسی که توانایشو داره باید این کارو انجام بده. ← \* هر کسی باید این کارو انجام بده که  
توانایی شو داره.

از نظر نگارندگان جابه‌جانشدن در چنین بندهایی به دلیل وجود نوعی مفهوم شرط است  
که در آن امکان جابه‌جایی جمله شرط و جواب شرط وجود ندارد. علاوه بر این، در داده‌های  
پژوهش مواردی از کاربرد هر نیز وجود دارد که نشانه موصولی که قابل حذف نیست:

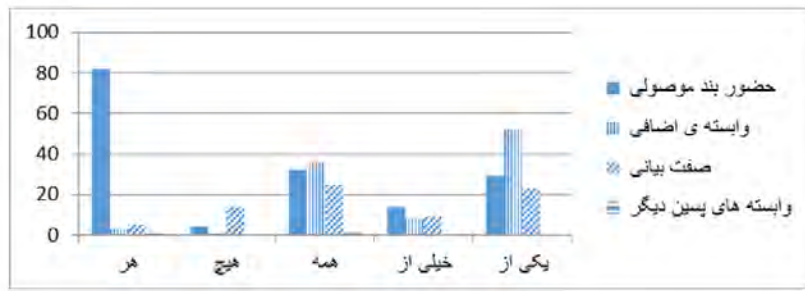
(۳۴) هر چیزی که راجع بهش حرف می‌زنیم باید حجم انبوهی از عقلانیت داشته باشه.

(۳۵) هر آزمایش کوچک و ریزریزی که انجام شده نمی‌تونه به ما اجازه این رو بده که این تبدیل به  
دارو شده.

این موارد نشان می‌دهد که برخی از رفتارهای هر در اثر عوامل تاریخی و ... در آن تثبیت  
شده و برخی دچار تغییر شده‌است. بنابراین هر + / اسم یک بند موصولی توصیفی به وجود  
می‌آورد که به دلیل ابهام و کاربرد فراوان هر در بند موصولی امکان حذف نشانه موصولی که  
در آن بیشتر است.

#### ۴-۲- کمیت‌نمای همه / تمام

در ۱۰,۴۱٪ از رخدادها همه / تمام و در ۳۴,۴۸٪ از کاربردهای بند موصولی، هسته یک  
اسم مبهم مانند کسی و چیزی بوده‌است، حضور این دو عنصر مبهم در کنار یکدیگر نیاز به  
کاربرد بند موصولی را بیشتر کرده‌است. اما حتی با وجود این عناصر مبهم، باز هم کاربرد  
ساخت موصولی از وابسته‌های پسین دیگر کمتر بوده‌است (شکل ۳):



شکل ۳- مقایسه کاربرد کمیت‌نماها با وابسته‌های پسین مختلف

به طور کلی این دو کمی‌نما بیشتر با وابسته‌های پسین محدودکننده مانند بند موصولی و وابسته‌ی اضافی به کار رفته‌اند؛ از آنجاکه بند موصولی توصیف هسته را محدود به شرایط زمانی و گزاره‌ای خاصی می‌کند و وابسته‌ی اضافی نیز هسته را محدود به مالک آن می‌سازد، بیش از صفت بیانی محدودکننده هستند.

جدول ۱- میزان کاربرد همه و تمام با انواع وابسته‌های پسین

وابسته‌های پسین دیگر	صفت بیانی و وابسته‌ی اضافی	صفت بیانی	وابسته‌ی اضافی	بند موصولی	وابسته‌های پسین مختلف
۳	۶	۲۵	۳۳	۲۹	همه / تمام
مجموع وابسته‌های پسین غیر موصولی: ۶۷					

اما یکی از دلایل کاهش کاربرد بند موصولی با همه / تمام نسبت به هر، کاربرد همه / تمام با هسته‌ی معرفه‌ی بافتی است؛ در مطالعات اخیر زبان‌شناسی به ارتباط کمیت‌نماها و معرفه‌ی هسته تأکید شده است (کرافت<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳؛ پیترز و وسترسنال<sup>۲</sup>، ۱۹۰۲:۲۰۰۲). براساس این مطالعات هسته‌ی کمیت‌نمای *all* با توجه به بافت کاربردی معرفه است. برای مثال در جمله

*All professors came to the party* (۳۶)

تعداد محدودی پروفیسور مورد نظر است و از این رو هسته برای گوینده معرفه است. هاسپلمث (۱۹۹۷: ۱۲) معتقد است در بسیاری از زبان‌ها کمیت‌نمای جمع معادل *all* با حرف تعریف می‌آید مانند *tous les enfants* در زبان فرانسه و *All the children* در زبان انگلیسی؛ در واقع این یک قاعده است که عبارات اسمی‌ای که کمیت‌نمای همگانی دارند، به لحاظ

1. W.Croft

2. S. Peters and D. Westerstahl

معنایی معرفی می‌دهند حتی اگر حرف تعریف یا علامت معرفی نداشته باشند. بنابراین می‌توان گفت که سور عمومی (کمیت‌نما) همه نیاز چندان با وابسته‌های پسین محدودکننده ندارد زیرا هسته‌دو حالت دارد: یا گروهی با تعداد محدود است و با توجه به بافت برای شنونده آشناست، با این گروه خاص شکل معرفه اسم به کار می‌رود: همه بچه‌ها آمدند؛ یا گروه مورد نظر آنقدر بزرگ است که همه موارد بالقوه را نیز در بر می‌گیرد، در این صورت از شکل نکره استفاده می‌شود که از آن مفهوم کلی استنباط شود: همه بچه‌ها بازی کردند دوست دارن. مواردی که در داده‌ها هسته اسمی همه وابسته‌ای نگرفته ۱۱۸ مورد بوده که از این تعداد، هسته در ۵۶٫۱۹٪ موارد معرفه بافتی بوده است:

(۳۷) با این همه درآمد و پول به کوچولو شو اختصاص بدین به پارکینگ طبقاتی.

(۳۸) همه پرنده‌ها جا تیر هست روشن.

(۳۹) با تمام این اتفاقات من خیلی خوش‌شانسم.

داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که در زبان فارسی هسته هر درمقایسه با همه و تمام غالباً زمانی معرفه بافتی است که مفهوم شمول را در بر داشته باشد:

(۴۰) بیایم یکی از کسانی که هم‌تراز نظامی بوده بررسی کنیم هردو شونو.

و یا همراه با عناصر دیگری در مفهوم توزیع به کار رود مانند: هر کدام از، هر یک از، هر کدام از ظرفاً رو خواستی بردار. این داده‌ها تنها ۱۵٫۳۸٪ از کل کاربردهای کمیت‌نمای هر بدون وابسته پسین را تشکیل می‌دهند.

معرفه بودن هسته کمیت‌نمای همه باعث می‌شود که تعمیم‌های ساخته‌شده با آن اندک یا نسبت به کمیت‌نمای هر دامنه کوچک‌تری داشته باشند. در کمی‌نمای هر با استفاده از بند موصولی می‌توان به تعمیم‌های شرطی و غیرشرطی دست یافت اما تعمیم‌های همه غالباً مربوط به گروهی محدود به بافت اجتماعی زبان مورد نظر یا افراد حاضر در گفت‌وگوست:

(۴۱) همه جا من اینو دیدم می‌گن.

(۴۲) همه ما به نوعی در نزدیکانمون درد کشیدیم.

نکته حائز اهمیت دیگر اینکه همه در کنار هسته‌های کلی مانند چی، جا و کس در زبان روزمره پرکاربرد است و از این رو کاربرد هسته‌های کلی با کمیت‌نمای همه تأثیری در افزایش حضور بند موصولی ندارد:

(۴۳) اینجا همه چی هست.

۴۴ همه چی به خیر گذشت.

۴۵ آلمان‌ها در همه جا احساس می‌کردن باید ابرقدرت باشن.

نمونه‌هایی از کاربرد همه و تمام با انواع وابسته‌های پسین در جدول زیر نشان داده شده‌است:

جدول ۲- مثال‌هایی از کاربرد همه و تمام با انواع وابسته‌های پسین

وابسته‌های پسین مختلف	همه	تمام
بند موصولی	۴۶ از همه چیزایی که دیدم یادداشت برداشتم.	۵۱ من تمام اطلاعاتی که دارم در مورد شاه لیبره.
صفت بیانی	۴۷ همه مردان بزرگ رو دعوت کردن.	۵۲ لیمو تمام انرژی‌های بد رو از آدم دور می‌کنه.
وابسته اضافی	۴۸ گفتم حاضرم، همه چیزشم من می‌دم.	۵۳ تمام معیارهای ذهن شما رو به هم می‌زنه.
وابسته اضافی و بیانی	۴۹ آیا همه ضعف‌های اقتصادی ما به خاطر تحریم هسته‌ای بوده؟	۵۴ اگر تمام مردم خوب ما دست به دست هم بدن می‌تونیم.
وابسته‌های پسین دیگر	۵۰ در حول و حوش انقلاب هم تعطیلی بود که همه مت ایران در جریانش هستند.	۵۵ شما می‌خواید تمام برنامه‌نویسان اندروید در ایران رو پیدا کنید.

۳-۴- کمیت‌نماهای خیلی از و یکی از (سورهای وجودی)

اگر کمیت‌نماهای خیلی از و یکی از با هسته‌های کلی به کار روند، بند موصولی حضور خواهد داشت. به طور کلی، در کمیت‌نمای خیلی از کاربرد بند موصولی ۴۵٫۱۶٪ و با کمیت‌نمای یکی از ۲۶٫۸۵٪ بوده‌است:

جدول ۳- کاربرد کمیت‌نمای خیلی از و یکی از با انواع وابسته‌های پسین

وابسته‌های پسین مختلف	خیلی از و ...	یکی از
بند موصولی	۱۴	۲۹
وابسته اضافی	۷	۳۸
صفت بیانی	۸	۱۳
ترکیب وابسته اضافی و بیانی و دیگر وابسته‌ها	۲	۲۴
وابسته‌های پسین دیگر	۰	۴

با وجود کاربرد اندک خیلی از در ساخت موصولی، در برخی از موارد امکان حذف نشانه موصولی که وجود دارد که این موضوع نشان می‌دهد عوامل دیگری غیر از بسامد نیز در پیش‌بینی حضور بند موصولی با برخی از اسامی وجود دارد. این عامل در مثال زیر خودساخت

است که در آن فعل ربطی با مفهوم «وجود داشتن» به کار رفته و بند موصولی نیز جابه‌جا شده‌است.

۵۶) خیلی از پزشکا هستند گمنامان اصلاً اسمی ازشون نمی‌آد.

۵۷) خیلی از همکاران هستند دارن با دل و جون کار می‌کنن.

در تبیین رخداد بیشتر کمیت‌نمای خیلی/ز با بند موصولی می‌توان گفت که در کمیت-نمای یکی/ز، مفهوم تعداد با صراحت بیشتری بیان شده و ابهام آن از خیلی/ز کمتر است. علاوه بر این کمیت‌نمای یکی/ز تنوع زیادی در کاربرد با وابسته‌های مختلف دارد و در ۲۵٪ از موارد، با ترکیبی از چند وابسته مختلف از جمله صفت عالی برای ساخت معرفی<sup>۱</sup> (نک کرافت، ۱۹۸۳: ۲۹) به کار گرفته شده‌است. از نظر نگارندگان این نوع ترکیب امکانات زبانی فراهم کرده که جایگزین بند موصولی بوده و رخداد آن را کاهش داده‌است. در جملات زیر نمونه‌هایی از ساخت معرفی با حضور یکی/ز و فعل ربطی حاصل نشان داده شده، مثلاً در جمله ۶۹ نظامی به عنوان «یکی از ستارگان آسمان ادبیات ایران زمین» معرفی شده‌است:

۵۸) یکی از جذاب‌ترین بخش‌ها برای رنج سنی کودکان و نوجوانانه.

۵۹) نظامی یکی از ستارگان آسمان ادبیات ایران زمینه.

۶۰) یکی از نام‌های خود اون حضرت مریسیا هم هست.

جدول ۴- مثال‌هایی از کاربرد کمیت‌نماهای خیلی/ز و یکی/ز با انواع وابسته‌های پسین

وابسته‌های پسین مختلف	خیلی از، بسیاری از	یکی از
بند موصولی	۶۱) خیلی از معضلاتی که ظاهرش سیاسیست اقتصاددوست.	۶۵) یکی از بزرگانی بودن که هم و غمشون رو گذاشتن برای تربیت بچه‌ها.
صفت بیانی	۶۲) خیلی از مؤسسات پولی اصلاً به حساب نمی‌اومدن.	۶۶) موتورسیکلت یکی از مهم‌ترین منابع آلاینده‌س.
وابسته اضافی	۶۳) خیلی از حریم‌های خانواده رو اصلاً نباید در حوزه‌های اجتماعی مطرح کرد.	۶۷) اومدیم رستوران دهباشیان تو قلب یکی از خیابونای تهران.
وابسته‌های پسین دیگر	۶۴) خیلی از مدرسا در ایران کسب و کار اینترنتی ندارن. (مفهوم: خیلی از مدرسای ایرانی کسب و کار اینترنتی ندارن).	۶۸) یکی از جدی‌ترین مباحث روز کشور مباحث اقتصاددوست. ۶۹) یکی از بهترین راه‌های فرار از شرایط و افکار بد رؤیاپردازه.

## ۴-۴- کمیت‌نمای هیچ

همان‌طور که شکل (۳) نشان می‌دهد کمیت‌نمای هیچ بیشتر با صفت بیانی به کار رفته‌است. هیچ به مجموعه‌ای تهی دلالت دارد و از آنجا که مجموعه تهی نیازی به محدود کردن ندارد، این وابسته بیشتر با یک وابسته وصفی و کمتر تحدیدی (که معمولاً صفت بیانی است) توصیف می‌شود، حتی نیمی از بندهای موصولی نیز با صفت بیانی به کار رفته‌اند؛ هیچ با بند موصولی تنها در ساخت منفی و مبتدأشده همراه با فعل ربطی با مفهوم «وجود داشتن» به کار رفته‌است، با وجود کاربرد اندک هیچ در ساخت موصولی، در برخی از موارد امکان حذف نشانه موصولی که وجود دارد که این موضوع نشان می‌دهد عوامل دیگری غیر از بسامد نیز در پیش‌بینی حضور بند موصولی با برخی از اسامی وجود دارد و این عامل در مثال زیر کاربرد در ساخت منفی است: (۷۱) هیچ اقتصاد منصفی نیست بیاد بگه نقدینگی عامل تورم نیست.

میزان کاربرد هیچ با انواع وابسته‌های پسین و مثال‌هایی از کاربرد آن در در جداول زیر نشان داده شده‌است:

جدول ۵- بسامد رخداد هیچ با هر یک از وابسته‌های پسین

وابسته‌های پسین مختلف	بند موصولی	بند موصولی و صفت بیانی	وابسته اضافی	صفت بیانی	وابسته‌های پسین دیگر
هیچ	۲	۲	۲	۱۵	۰
۴			۱۷ مجموع وابسته‌های پسین غیرموصولی		

جدول ۶- مثال‌هایی از کاربرد هیچ با هر یک از وابسته‌های پسین اسمی

بند موصولی	(۸۰) هیچ نوشته‌ای نیست که به یک بار خواندن نیرزه.
بند موصولی و صفت بیانی	(۸۱) هیچ اقتصاد منصفی نیست که بیاد بگه نقدینگی عامل تورم نیست.
وابسته اضافی	(۸۲) هیچ جای مشکلات ما حل نشد.
صفت بیانی	(۸۳) هیچ چیز مفتی در دنیا وجود ندارد.

با توجه به آنچه بیان شد نتیجه می‌گیریم که وابسته‌های پیشین مختلف در رخداد با بند موصولی رفتار متفاوتی داشته‌اند؛ به طور کلی، میزان رخداد هر یک از کمیت‌نماها به ترتیب زیر بوده‌است که در واقع میزان ابهام کمیت‌نماها را به ترتیب نشان می‌دهد:

هر ۹۰,۲۱٪ < خیلی / ۴۵,۱۶٪ همه ۳۰,۲۰٪ < یکی / ۲۷,۱۱٪ < هیچ ۲۱,۰۵٪



این نتایج نشان می‌دهد که برخی از وابسته‌های پیشین بالا به دلیل برخی ویژگی‌های خاص، کاربرد قابل توجهی با بند موصولی دارند، برای مثال کمیت‌نمای هر که به هسته مفرد اشاره دارد و مفهوم مبهم داشته و با هسته‌های کلی کاربرد زیادی دارد و در ساخت شرطی گونه برای بیان گزاره‌های کلی به کار می‌رود. به طور کلی می‌توان گفت پس از هسته‌هایی مانند هر کس و هر چیز احتمال رخداد بند موصولی زیاد و قابل پیش‌بینی است، از این رو پردازش آن ساده‌تر است. این نتایج مؤید نظریه نحوی نمونه‌محور است که در آن عناصر مختلف ساخت تحت تأثیر یکدیگر هستند. رخداد مکرر این ویژگی‌ها نمونه‌ها یا ساخت‌های تحکیم‌شده‌ای را در ذهن گویشور تشکیل می‌دهند که امکان پیش‌بینی عناصر بعدی را فراهم می‌کند. از طرفی ویژگی‌های مختلف دیگری سبب کاربرد کمتر یا بیشتر بند موصولی با هر یک از کمیت‌نماها شده که به طور خلاصه در جدول (۷) نشان داده شده است.

جدول ۷- مقایسه ویژگی‌های مختلف وابسته‌های پیشین در حضور یا عدم حضور بند موصولی

کمیت‌نما	ویژگی مؤثر در حضور بند موصولی	ویژگی مؤثر در عدم حضور بند موصولی
هر	کاربرد با هسته‌های کلی، کاربرد در ساخت ویژه موصولی، در بر داشتن مفهوم ابهام	
همه	در بر داشتن مفهوم ابهام	کاربرد با اسامی معرفه بافتی و غیربافتی
خیلی از	کاربرد با هسته‌های کلی، در بر داشتن مفهوم ابهام، کاربرد در ساخت ویژه	
یکی از		کاربرد با ترکیبی از وابسته‌ها
هیچ	کاربرد در ساخت ویژه	محدودیت ناپذیری

مشاهده رخداد وابسته‌های پیشین و پسین مختلف نشان می‌دهد که وابسته پسین اضافی بیشتر برای توصیف هسته‌ای به کار می‌رود که به تعدادی از اعضای یک مجموعه دلالت دارد مانند هسته‌های توصیف‌شده با یکی/از، خیلی/از، همه، تمام. در حالی که بند موصولی با هسته‌هایی به کار رفته که امکان معرفه‌سازی آنها وجود ندارد بلکه تنها می‌توان آنها را محدود ساخت مانند هسته‌های کلی که شمول گسترده دارند یا هسته‌هایی که با کمیت‌نماهای همگانی به کار رفته‌اند. وابسته‌های پسین بیانی نیز با هسته‌هایی به کار رفته‌اند که شناسایی دقیق آنها اهمیتی ندارد، مانند هسته‌هایی که با کمیت‌نمای هیچ توصیف شده‌اند.

## ۵- نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که علاوه بر عوامل مختلفی که در تحقیقات پیشین در پردازش بند موصولی تأثیرگذار شناخته شده‌اند عوامل دیگری نیز وجود دارند، در زبان فارسی گفتاری هرچه وابسته پیشین ابهام بیشتری داشته و هسته کلیت بیشتری داشته باشد، بند موصولی بیش از سایر وابسته‌های پسین به کار می‌رود. به طور کلی، وجود ابهام، کلیت و تشکیل ساخت‌های خاص بر حضور بند موصولی مؤثر بوده‌است. به همین دلیل ترکیب هرکس، هرچیز، هرچند نفر، کسانی و ... حضور بند موصولی را پیش‌بینی می‌کنند و سورهایی مثل هر و خیلی/ از بیشتر همراه با هسته‌های کلی با بند موصولی به کار رفته‌اند. هم‌چنین حذف نشانه موصولی که نیز بیشتر در مورد کمیت‌نمای هر اتفاق افتاده‌است. این نتایج مطابق با نتایج وایشمن (۲۰۱۵) در زبان انگلیسی است. علاوه بر این، ساخت موصولی خود نمونه‌های مختلفی دارد که ناشی از رخداد هم‌زمان برخی عناصر است، برای مثال در این تحقیق سه نمونه از ساخت موصولی خاص در کاربرد با کمیت‌نماها معرفی شده‌است که از این میان نمونه (الف) بسامد رخداد بیشتری نسبت به بقیه دارد و نمونه (ج) به دلیل محدودیت‌ناپذیری کمیت‌نمای هیچ رخداد کمتری دارد:

- (الف) ساخت موصولی‌ای که از کاربرد کمیت‌نمای هر در جملات شرطی گونه شکل می‌گیرد.  
 (ب) ساخت موصولی‌ای که از کاربرد کمیت‌نمای خیلی/ از همراه با فعل ربطی بودن و بند موصولی مبتداشده حاصل می‌شود.  
 (ج) ساخت موصولی‌ای که از کاربرد هسته مبهم هیچ با فعل ربطی منفی و بند موصولی مبتداشده شکل می‌گیرد.

ساخت معرفی نیز حاصل از کاربرد کمیت‌نمای یکی/ از همراه با چند وابسته پسین غیرموصولی است و کاربرد آن نیاز به بند موصولی را کاهش داده‌است. از این‌رو طبق نظریه نمونه‌محور که در آن عناصر مختلف ساخت تحت تأثیر یکدیگر هستند کاربرد فراوان این عناصر باعث تحکیم آنها شده و رخداد بند موصولی را کاهش می‌دهند. عوامل مختلف تأثیرگذار در جدول (۷) نشان داده شده‌است. نتایج تحقیق هم‌چنین نشان می‌دهد که وابسته‌های پیشین مختلف در رخداد بند موصولی سه رفتار متفاوت از خود نشان می‌دهند: الف. کمیت‌نمای هر، رخداد بند موصولی بیش از مجموع تمام وابسته‌های پسین دیگر است. ب: در کمیت‌نمای خیلی/ از رخداد بند موصولی از هر یک از وابسته‌های پسین دیگر (اضافی،

بیانی و ...) بیشتر اما از مجموع آنها کمتر بوده‌است. ج: رخداد بند موصولی در کمیت‌نمای همه، یکی از و هیچ کمتر از یک وابسته پسین دیگر مانند وابسته اضافی یا بیانی بوده‌است. به طور کلی این نتایج گامی در جهت شناسایی بیشتر انواع وابسته‌های پسین و پیشین است و امکان مقایسه رفتار انواع وابسته‌های پسین از قبیل بند موصولی، وابسته اضافی و صفت بیانی را فراهم می‌آورد؛ می‌تواند برای پیش بینی رفتار بند موصولی با انواع وابسته‌های پیشین هسته موصولی و تعیین پیامد پردازشی آن کمک کند، به عبارتی، نتایج این پژوهش می‌تواند در تبیین میزان ابهام کمیت‌نماها و هم‌چنین پردازش بند موصولی کمک کند؛ امکان مقایسه میزان بار پردازشی رخداد کمیت‌نماها همراه با بند موصولی را برای تحقیقات شناختی آزمایشگاهی امکان‌پذیر سازد. بنابراین در مطالعات بعدی مقایسه میزان بار پردازشی رخداد کمیت‌نماها همراه با بند موصولی در تحقیقات شناختی آزمایشگاهی پیشنهاد می‌شود.

### منابع

- احمدی گیوی، ح. و ح. انوری. ۱۳۷۷. دستور زبان فارسی ۱، تهران: فاطمی.
- راسخ مهند، م. ۱۳۸۸. «معرفه و نکره در زبان فارسی». دستور، ویژه‌نامه نامۀ فرهنگستان. (۵): ۸۱ - ۱۰۳.
- راسخ مهند، م. و م. عزیززاده صحرائی، ر. ایزدی‌فر، م. قیاسوند. ۱۳۹۱. «تبیین نقشی خروج بند موصولی در زبان فارسی». پژوهش‌های زبان‌شناسی. ۴(۱): ۲۱ - ۴۰.
- صادقی، ع. و ارژنگ، غ. ۱۳۵۷. دستور. تهران: آموزش و پرورش.
- طباطبایی، ع. ۱۳۹۵. فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.
- طیب‌زاده، ا. ۱۳۹۳الف. دستور زبان فارسی براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی، تهران: مرکز.
- طیب‌زاده، ا. ۱۳۹۳ب. «بندهای وابسته اسم در زبان فارسی و روابط وابستگی در درون آنها». دستور، ویژه‌نامه فرهنگستان، (۱۰): ۱۱۷-۱۴۵.
- عماد افشار، ح. ۱۳۷۲. دستور و ساختمان زبان فارسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- فرشیدورد، خ. ۱۳۸۸. دستور مختصر/ امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید. تهران: سخن.
- ماهوتیان، ش. ۱۳۷۸. دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی. ترجمه م. سمایی. تهران: مرکز.
- محمودی، س. ۱۳۹۲. «بررسی نحوی بندهای موصولی و متممی در زبان فارسی»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.

- مولایی کوهبنانی، ح؛ ع. علیزاده؛ ش. شریفی. ۱۳۹۷. «نقش ویژگی‌های رده‌شناختی ساخت موصولی در تعیین سازه‌های فارسی»، *زبان‌پژوهی*، (۲۸): ۸۷-۱۱۴.
- نعمت‌زاده، ش. و ب. روشن، م. غیاثیان، م. غفاری. ۱۳۹۲. «سطوح پیچیدگی بندهای موصولی فاعل-فاعل و فاعل-مفعول در کودکان فارسی زبان ۳ تا ۶ ساله» *جستارهای زبانی*، ۴(۴): ۲۲۱-۲۴۴.
- Aghaei, B. 2006. "Clausal Complementation in Modern Persian". *Ph.D Dissertation*, University of Texas at Austin.
- Bybee, J. 2010. *Language, Usage and Cognition*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bybee, J. 2013. "Usage-based Theory and Exemplar Representations of Constructions", In: Thomas Hoffmann and Graeme Trousdale (eds.). *The Oxford Handbook of Construction Grammar*., London:Oxford University Press.
- Carreiras, M., A. J. Dun abeitia, M. Vergara, I. Cruz- Pavia & I. Laka. 2010. "Subject Relative Clauses Are Not Universally Easier to Process: Evidence from Basque". *Cognition*. 115. Issue 1. Pp. 79- 92.
- Comrie, B. 1981. *Language Universals and Linguistic Typology*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Croft, W. 1983. "Quantifier Scopep Ambiguity and Definiteness". *Proceedings of the Ninth Annual Meeting of the Berkeley Linguist Society*, 25-36.
- Goldberg, A.E. 1995. *Constructions: A Construction Grammar Approach to Argument Structure*, Chicago: University of Chicago Press.
- Goldberg, A. 2006. *Constructions at work: The Nature of Generalization in Language*. Oxford: University Press.
- Haspelmath, M. 1997. *Indefinite Pronouns*, Clarendon press Oxford.
- Hawkins, J. A. 2004. *Efficiency and Complexity in Grammars*. Oxford: Oxford University Press.
- Israel, M. 1996. "The way constructions grow" i n A.E. Goldberg (ed.) *Conceptual Structure, Discourse and Language*. Stanford: CSLI,30-217.
- Kay, P., and Fillmore, C. J. 1999. "Grammatical constructions and linguistic generalizations: hhe What's X doing Y? construction". *Language*, 75(1).
- Langacker, R.W. 1999. *Grammar and Conceptualization*. Berlin/New York: Mouton/Walter De Gruyter.
- Lehmann, C. 1986. "On the typology of relative clauses", *Linguistics* 24 , 663-680.
- Peters, S, Westerståhl, D. 2010. "Quantifiers in language and logic", *Linguistics and Philosophy* ,33, 513-549.
- Rahmany, R., H. Marefat & E. Kidd. 2011. "Persian Speaking Children's Scquisition of Relative Clauses". *European Journal of Developmental Psychology*. 8 (3). Pp. 367-388.

- Rasekh-Mahand, M; Alizadeh-Sahraie, M; and Izadifar, R.(2016). "corpus-based analysis of relative clause extraposition in Persian" , *Ampersand* 3, 21-31.
- Tabaian, H. 1974. "*Conjunction, Relativization and Complementation in Persian.*" *PhD. dissertation*, University of Colorado.
- Wasow, T. 2002. *Postverbal Behavior*. Stanford: CSLI Publications.
- Wiechmann Daniel. 2015. *Understanding Relative Clauses: A usage-based view on the processing of complex constructions* , Berlin: Walter de Gruyter GmbH & Co KG.
- Windfuhr, Gernot. 1979. "Persian grammar: History and State of its Study", in *Trends in Linguistics , State of – the Art Report. Vol. 12*, Mouton Publishers.



## The role of Quantifiers in Relative Clause Occurrence in Spoken Persian

Nasrin Azhideh<sup>1\*</sup>  
Mehrdad Naghzguy-Kohan<sup>2</sup>

Received: 2019/08/31

Accepted: 2021/05/23

### Abstract

In addition to the grammatical weight and the nominal head thematic role effects on the processing of a relative clause, which has been dealt with extensively in previous studies, other factors influence the processing of the relative clause. In the present paper, the research data has been collected from TV and radio programs and the quantifier's role on relative clauses occurrence has been investigated based on Wiechmann approaches (2015). Wiechmann believes that each component in a relative construction can affect other components occurrence. Results show that ambiguity and generality in the meaning of the modified head, and occurring in special constructions affect the relative clause presence. This is compatible with exemplar-based theory in that components of a structure affect each other's occurrence. The result of this study can be used in determining the degree of ambiguity among Persian quantifiers and can explain how relative clauses are processed.

**Keywords:** Relative clause, Exemplar- based Approach, Pre-nominal modifiers, Post- nominal modifiers

### 1. Introduction

A relative clause is a construction consisting of a nominal and a subordinate clause attributively modifying it. The nominal is called the head and the subordinate clause is called relative clause (henceforth RC). The attributive relation between head and RC is such that the head is involved in what is stated in the clause. As prenominal modifiers precede post modifiers, they

---

1. PhD. Candidate of General Linguistics, BuAli Sina University, Hamadan, Iran. (Corresponding Author)

\* Email: azhidehn@gmail.com

2. Associate Professor of General Linguistics, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.

can have certain influence on post- modifiers occurrence. It seems that indefinite pronouns occur with RCs more than any other prenominal modifier. Wiechmann believes that the more general the term, the greater the need (and hence the likelihood) for the additional material that enables the hearer to identify the intended referent of the complex. In this way, RC as a clausal post modifier is a good alternative for post modification of the expressions in the following list:

anyone, anything, best everybody all, anybody, everybody, that thing, things, those, time, two, uncle, way, what, woman, women.

Accordingly, in the present paper we are going to investigate the co-occurrence of quantifiers in expressions such as *hæ* 'any, every' *kæs* 'one, body' ; *hæ* 'any, every' , *tʃiz* 'thing',... and relative clauses in Persian.

## 2. Theoretical framework

In cognitive construction grammar, a relative clause is unified as a language sign which its processing procedure is highly the same as the lexicon's. Linguistic signs are of different intermediate levels that have both fixed and variable parts. A complete characterization of a high level construction, such as an English RC, will have to take into account its constitutive constructions and their properties. That is to say, an actual utterance of an RC always instantiates a number of lower level construction simultaneously.

Each grammatical unit is a routine process which speakers master it over repetition and they activate it as a predetermined assembly. Every experienced exemplar of an RC is involved in its cognitive representation. An exemplar-based representation indicates a list of words happening in a certain slot. When uttering a construction, we do not refer to a set of general features but analogically we refer to the memories of lexical items which have happened in that slot in previous exposures.

## 3. Methodology

The present paper is a descriptive - analytical research about RCs in spoken Persian. We analyzed each quantifier co-occurrence with RC and other post modifiers. Data for the current paper has been collected from 30 hours of conversations on TV and radio programs. 1200 relative clauses were extracted in addition to 500 sentences with a nominal head modified by other post modifiers to find out the difference between relative clause and other post - nominal modifiers.

#### 4. Results & Discussion

Prenominal modifiers behave differently in co-occurrence with RCs. The difference is displayed in the following hierarchy:

*hær* ‘every, any’ 90.21% > *xeili æz* ‘many of’ 45.16% > *hæme* ‘all’ 30.20% > *yeki æz* ‘one of’ 27.88% > *hitf* ‘no none’ 21.05%

The results indicate that Persian quantifiers are of different characteristics. *hær* ‘every, any’ refers to a singular head and it is used in conditional constructions to indicate general propositions. In fact, after some heads such as *hær kæs* ‘every one, any one’, *hær tfiz* ‘every thing, anything’ RC is more predictable to happen and easier to process. In the present paper, 3 constructions were introduced which included a nominal head modified with a quantifier:

1. RC construction with a nominal head modified with “*hær*” implying a conditional proposition. ***hær* ‘every, any’ + head + RC + MC.**

*hær kæs kar næ-kon-e be sælamæti=e xod-ef asib mi- zæn-e.*  
any one work (exercise) NEG- SUBJ. do- 3SG. to health =of self-3SG.CL  
damage PROG-PRES.hit. - 3SG.

‘Anyone who doesn’t exercise will damage his own health’

2. An extraposed RC with some nominal head modified with quantifier *xeili æz* ‘many of’. in these constructions the verb is copular:

*xeili æz pezešk-a hæst-æn ?æslæn did-e ne-mi-f-æn*  
many of doctor-PL PRES.be- 3PL never see- PP. NEG- PRES- be- 3 PL

‘There are many doctors who are never seen’

3. An extraposed RC with an indefinite quantifier *hitf* ‘nothing’

According to exemplar-based theory, different components affect each other’s occurrence. Frequent use of these components leads to a pre-defined and entrenched construction which in turn increases RC usage in related contexts.

#### 5. Conclusion & Suggestions

As indicated in section 4, we introduced some intermediate levels of RC in Persian. These findings are in line with exemplar theory principles. In exemplar theory, different components of a construction affect each other’s presence. Frequent occurrence of these components leads to construction entrenchment in the speaker’s mind helping to predict next



construction components. The results also show that pre-nominal modifiers display three different behaviors in occurrence with RCs:

1. Compared to all other quantifiers, the quantifier *hæ* ‘any, every’ is more used with RC in a way that all the RC occurrence with other quantifiers is less than *hæ* ‘any, every’ occurrence with RC.
2. In *xeili æz* ‘many of’ construction, RC is more frequently used compared to any of other post modifiers.
3. In *hitf* ‘no, none’ and *yeki æz* ‘one of’ constructions RC occurred less than other post modifiers such as genitive and descriptive modifiers. It is recommended that the co-occurrence of quantifiers with RC be investigated cognitively in language laboratories.

### Select Bibliography

- Bybee, J. 2013. Usage-based Theory and Exemplar Representations of Constructions, In: Thomas Hoffmann and Graeme Trousdale (eds.). *The Oxford Handbook of Construction Grammar*, Oxford: Oxford University Press.
- Croft, W. 1983. Quantifier Scopep Ambiguity and Definiteness. *Proceedings of the Ninth Annual Meeting of the Berkeley Linguist Society*, 25-36.
- Goldberg, A. 2006. *Constructions at work: The Nature of Generalization in Language*. Oxford: Oxford University Press.
- Haspelmath, M. 1997. *Indefinite Pronouns*, Oxford Studies in Typology and Linguistic Theory Oxford: Clarendon Press.
- Hawkins, J. A. 2004. *Efficiency and Complexity in Grammars*. Oxford: Oxford University Press.
- Mowlaei Kuhbanani H., Alizadeh, A., & Sharifi,sh. 2018. The role of typological features of relative structure on determining Persian Word Order, *Journal of Language Research* , 28, 87-114. [In Persian]
- Rasekh Mahand, M., Alizadeh sahraie, M., Izadifar, R.& Ghiasvand, M, 2012, The functional explanation of relative clause extraposition in Persian , *Researches in Linguistics*, 6, 21-40. [In Persian]
- Wiechmann D. 2015. *Understanding Relative Clauses: A usage-based view on the processing of complex constructions*, Berlin: Walter de Gruyter GmbH & Co KG.

### Abbreviations:

3SG	Third person singular
MC	Main clause

NEG	Negative
3SG	Third person singular
PROG	Progressive
PRES	Present
PL	Plural
PP	Past Participle
RC	Relative clause
SUBJ	Subjunctive

